



آتیلا پسپایی و صابر ابر در نمایش «کالیگولا» کار

همایون غنی‌زاده

صابر ابر، یکی از هنرمندان جوانی که با آتیلا پسپایی آمد و شد و همکاری دارد، به مناسبت زادروز این هنرمند، از پسپایی به عنوان مردی یاد کرده که زندگی و «بازی» را بلد است و مرد رنگ‌ها و مزه‌هاست.

این بازیگر در صفحه شخصی خود درباره آتیلا پسپایی، بازیگر و کارگردان تئاتر و موسس گروه تئاتر «بازی» نوشته است:

«مردی که «بازی» می‌کند و همبازی‌های جوان را راه می‌دهد. آتیلا کسی است که به خیلی از ما یاد داد زندگی یک «بازی» ست. مردی که رنگ‌ها و مزه‌ها را می‌شناسد. آتیلا زندگی را بلد است. غذای خوشمزه را از غذای بدمزه تشخیص می‌دهد و مشخص و روراست می‌گوید: «عجب مزه‌ای دارد صابر! یا می‌گویی این مزه به دردبخور نیست. یاد آدم نمی‌ماند. این غذا فقط سیر می‌کند.



آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار پس از نامزدی جنجالی «آندره‌آرسبرو» برای بهترین بازیگرزن جوایز اسکار ۲۰۲۳، مهم ترین تغییر قوانین خود را در مورد کمپین‌های تبلیغاتی اسکار اعلام کرد.این تغییرات و شفاف‌سازی‌ها پس از آن صورت می‌گیرد که چندین اتفاق به‌عنوان احتمالا نقض قوانین مربوط به کمپین‌های تبلیغاتی توسط نامزدهای جوایز اسکار امسال روی داد، از جمله نامزدی «آندره آرسبرو» برای بازی در فیلم «به لزی» پس از حمایت مستقیم چهره‌های مطرحی چون «کیت وینسلت» و «هی آدامز» و «کونینت پالترو» از این فیلم مستقل و کم‌هزینه.این بازیگر بریتانیایی در ابتدا به‌عنوان یک مدعی برای نامزدی شاخه بهترین بازیگرزن شناخته نمی‌شد و برخی معتقدند کمپین سنگین تبلیغاتی چند بازیگر سرشناس برای او موجب شد



«گوردون لایفتوت» خواننده و ترانه‌نویس کانادایی در سن ۷۴ سالگی درگذشت. «گوردون لایفتوت» که بیشتر برای ترانه‌های فولک-پاپی همچون «اگر می‌توانستی دهنم را پخوانی» شناخته می‌شود، در سن ۸۴سالگی درگذشت. به گفته خانواده «لایفتوت»، این خواننده عصر دوشنبه در بیمارستانی واقع در تورنتو درگذشت.«باب دیلن» زمانی از «لایفتوت» به عنوان «یک استعداد کمیاب» یاد کرده بود و هنرمندان بسیاری نیز از جمله «لویس پرئسلی» و «هری بلافونته» ترانه‌های او را کاور کرده بودند.



بهرام مقدادی، مترجم، در ۸۴ سالگی از دنیا رفت. محمد قاسم‌زاده، داستان‌نویس در صفحه شخصی خود با اعلام این خبر نوشت: دکتر بهرام مقدادی هم رفت. با این‌که شاگرد کلاس او نبودم از او فراوان آموختم. پادش گرامی.طبق اطلاعیه دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارگی دانشگاه تهران، این استاد دانشگاه که متولد ۲۹ بهمن ۱۳۱۸ در رشت بود، نه‌م اردیبهشت‌ماه از دنیا رفته است.بهرام مقدادی دانش‌آموخته رشته زبان و ادبیات فارسی بود و در سال ۱۳۴۵ موفق به دریافت دکتری رشته ادبیات انگلیسی از دانشگاه کلمبیا شده بود.

۱۰ ادای دین سینما به معلم‌ها



دست به عکس‌العمل‌های احساسی و لحظه‌ای نزنند. قریبیین که تا پیش از این ۳ فیلم، یکی از بازیگران شاخص سینمای پیش از انقلاب بود، با این ۳ نقش، توجهات بسیاری را به سمت خود معطوف کرد تا این‌س ۳ نقش‌آفرینی در خاطره سینمایی سینمادوستان نقش ببندد.



مسعود جعفری‌جوهرانی در سال ۶۴، فیلم جاده‌های سرد را جلوی دوربین برد. فیلمی که علی نصیریان، نقش محوری آن را با عنوان آقامدیر بازی کرد. فارغ از سادگی و صمیمیت نقش، آقامدیر در این فیلم، درس زندگی به شاگردانش می‌داد. نگاه آقامدیر به شاگردانش، برخلاف روال آموزش دهه ۶۰، محدود به کتاب و فرآیند آموزشی کلیشه‌ای نبود بلکه امیدآفرینی برای بچه‌های روستایی بود که می‌خواستند مانند درخت، سرما را به زمین بزنند.

خسرو شکیبایی خسرو شکیبایی در سال ۶۵، رابطه را بازی کرد. معلم دلسوزی که پی می‌برد یکی از شاگردانش



که کرولال است، نمی‌توان آن ارتباط مفید را با آدم‌های اطراف خود برقرار نماید. تاثیرگذاری بازی شکیبایی در این فیلم آن‌جایی است که وی تلاش می‌کند تا در فرامتن، روحیه خودباوری را به دانش‌آموزش تزریق کند و به وی بفهماند که مقصر تنهایی او، خودش است. تلاشی که خیلی زود به بار نشسته و از یک متوفیت غم‌بار، کلاژی از امیدواری و روشنی بیرون می‌آید. البته شکیبایی، ۳ سال بعد نیز در عبور از غبار، یک نقش‌آفرینی احساسی و دراماتیک از شمایل یک معلم غصه‌دار را ایفا کرد.



بیژن امکانیان در سال ۶۵ در دبیرستان بهترین فیلم اکبر صادقی، یکی از بهترین بازی‌های عمرش را به نمایش می‌گذارد. او در این فیلم، نقش علی ناصری را بازی می‌کند. معلمی که مدتی درگیر اعتیاد بود و حالا با بازگشت به زندگی طبیعی، تمام تمرکز او بر روی مسیری است که شاگردانش را به اعتیاد نرساند. امکانیان در این فیلم به خوبی توانست یک مقارنه احساسی از تقابل گذشته خود با زندگی حال شاگردی که درگیر اعتیاد است را به نمایش گذاشته و به‌عنوان بازیگر، تاثیرگذاری خوبی را بر فضای فیلم مستولی نماید.



هما روستا در سال ۶۶، در فیلم پرنده کوچک خوشبختی، یک نقش‌آفرینی خیره‌کننده دارد. معلم روانشناسی که در مدرسه کودکان استثنایی مشغول به کار می‌شود و ماحصل تربیت رفتاری او بر روی یک دانش‌آموز بیش‌فعال، به مراتب از فداکاری و جنون ختم می‌شود که مخاطب

ما می‌گوییم معلم‌ها سر کلاس تیار!

دربیران، قرتی بشن و ... متوجه منظور نشده‌اند. یعنی خوب گوش نداده‌اند.

سال‌ها پیش با استفاده از دانش‌آموزان اخراجی از کلاس زبان در یک مدرسه راهنمایی، در طول یک ماه تمرین، یک نمایش به زبان انگلیسی اجرا کردیم که در آن بچه‌های اخراجی از کلاس زبان انگلیسی، بهتر از معلم‌شان انگلیسی حرف می‌زدند و از آن مهم‌تر تماشایگران که انگلیسی نمی‌دانستند، مفهوم و معانی کلمات را خوب درک می‌کردند. باور می‌کنید؟ در تالار سوره هم اجرا شد. وزیر وقت هم دید و گفت اگر ضرورتی در آموزش و پرورش وجود دارد، اولش همین نوع کاره‌است. اما کی؟ کجا؟ کی؟ از فردا مجبور بودم برای توجیه غیبتم از مدرسه، گواهی پزشک ببرم که مریض بوده‌ام!

قاعده‌ای در تئاتر وجود دارد که بر اساس آن بازیگران نمایش با آنکه تمامی نمایش را بیشتر حفظ کرده‌اند، طوری وانمود می‌کنند که انگار هم‌زمان و همراه با تماشاگران مشغول کشف یک مسئله هستند. کافی است معلم‌های مدارس همین قاعده را در تدریس‌شان به کار ببرند و خودشان هم‌زمان با شاگردانش

حرف های «طوفان» از بی در و پیکری سینما و بدآموزی «برادران لیلا»

اینجا اصلا به نقش منفی بهایی داده نمی‌شد. سختی ماجرا اینجاست که من به عنوان یک بازیگر با بیش از ۵۰ سال سابقه آینده تضمین شده‌ای ندارم و بدون هیچ درآمدی، صرفا با حقوق بازنستستگی باید نگران آینده باشم و این شرایط برای بسیاری از سینماگران قدیمی وجود دارد.

رضا صفایی‌پور متولد ۱۳۲۸ در تهران و فارغ التحصیل دیپلم رشته ادبی است که فعالیت خود را با کشتی کج شروع کرد و بعد از چند مقام قهرمانی در ورزش، وارد سینما شد. او فعالیت خود را به صورت جدی در سال ۱۳۴۲ آغاز کرد و به عنوان ورزشکار بدکار در فیلم «ترس و تاریکی» محمد متوسلانی بازی کرد. سپس در سال ۱۳۴۸ با فیلم «قهرمانان» به کارگردانی ژان نگولسوک، محصول مشترک ایران و آمریکا به عنوان بازیگر جلوی دوربین

داشت. اگرچه بیماری، یک سال قبل پای این بازیگر را به بیمارستان کشاند اما از پیگیری فیلم‌ها و سریال‌ها و جریان روز غافل نیست. می‌گوید توان جسمی لازم را برای سینما رفتن ندارد ولی «برادران لیلا» را که نسخه قاچاق آن بخش شده، دیده است. «فیلم خیلی خوبی بود، البته بدآموزی هم داشت. سید پورصمیمی خیلی خوب بود، جزو اساتیدی است که تکرار نمی‌شود و انگار بعد از ۶۰ سال تازه آمده. بدی سینما این است که ناگهان فید می‌شوی و بعد با یک نقش دوباره برمی‌گردد. آن وقت همه با مشابه همان نقش سراغت می‌آیند.» او ادامه می‌دهد: «من و خیلی دیگر از همکارانم دوست داشتیم از توانایی‌های ما استفاده می‌شد. آنتونی هاپکینز را ببینید. برای بازی در نقشی منفی در فیلم «سکوت بره‌ها» اسکار گرفت ولی

سخت شده اما خوب مدارا می‌کند، هر چند می‌گوید «خوردن روزی ۱۵ قرص خیلی سخت است مخصوصا که هر کدام عوارضی هم دارند.»

آخرین فیلم او «گیجگاه» عادل تبریزی بود که در آن حضور داشت و هنوز به اکران عمومی درنیامده ولی خودش به وجود فیلمی را که بازی جدی داشته، «پرچم‌های قلعه کاوه» می‌داند که مربوط به ۱۶ سال قبل است و بعد از حق یک بازیگر حرفه‌ای که عمرش را صرف بازیگری کرده، این نیست که نگران باشد و ببیند آینده‌اش چه می‌شود.

رضا صفایی‌پور بازیگر فیلم‌های «کانی مانگا»، «شکار خاموش»، «میرزا کوچک خان» و «چشم عقاب» که در دوران اوج فعالیتش به طوفان شهرت پیدا کرده بود، مدتی است به پارکینسون مبتلا شده و حرکت و تکلم کمی برایش

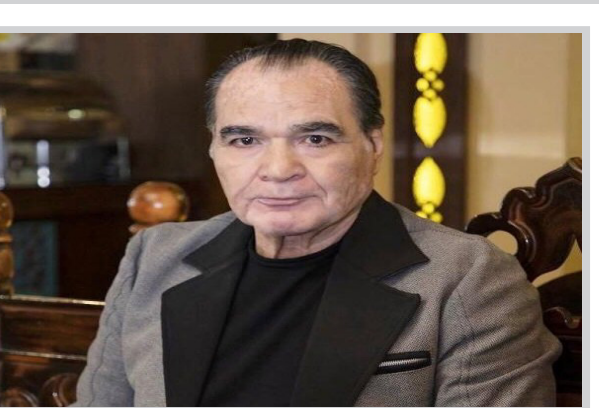
«ما تمام شدیم؛ قبول. ولی ببذیرید که سینمای امروز هم دیگر خیلی بی‌در و پیکر شده است.»

«رضا طوفان» بدمن معروف سینما در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خورشیدی همین چند روز قبل ۷۴ ساله شد و در شرایطی که بیماری مشکلاتی را برایش به وجود آورده ولی باز هم سینما برایش دغدغه‌است؛ دغدغه‌ای که حسرت هم با خودش دارد چون به ایسنا می‌گوید: حق یک بازیگر حرفه‌ای که عمرش را صرف بازیگری کرده، این نیست که نگران باشد و ببیند آینده‌اش چه می‌شود.

رضا صفایی‌پور بازیگر فیلم‌های «کانی مانگا»، «شکار خاموش»، «میرزا کوچک خان» و «چشم عقاب» که در دوران اوج فعالیتش به طوفان شهرت پیدا کرده بود، مدتی است به پارکینسون مبتلا شده و حرکت و تکلم کمی برایش



استفاده‌شان را می‌برند از آدم‌های تئاتر، از نوشته‌ها و نویسنده‌ها تئاتر، از بازیگران تئاتر اما تئاتر در این میان کم شده است. بزرگترین مدیران فرهنگی این سرزمین نمی‌دانند آنچه که آنها درباره تئاتر فکر می‌کنند، در خوشبینانه‌ترین حالت، یکی از ابتدایی‌ترین تعاریف از این هنر پرورش داده است. لازم به یادآوری است که این ویژه‌نامه به مناسبت بزرگداشت علیرضا نادری منتشر شد اما از آنجا که بر این مجلد تاریخی نگاشته نشده، نمی‌توانیم سال دقیق انتشار آن را اعلام کنیم ولی حدودا برای ۱۰ سال قبل است.



دوست ندارند»، «ضربه آخر»، «صلیب طلایی»، «پوتین»، «شکار خاموش»، «جمیل»، «کانی مانگا»، «پلاک»، «میرزا کوچک خان»، «شکار در شب»، «فصل خاکستری»، «انفجار»، «مردی در آتش»، «چشمان بسته»، «جنوبی»، «گریز از مرگ»، «هفت مرد دلاور»، «خر دجال»، «غلام ژاندارم»، «ترس و تاریکی» و در تلویزیون به سریال «سیمرغ» می‌توان اشاره کرد.